

شانزله‌یزه خلاف جهت حرکت کنید، در مسابقات تور دوفرانس است. من با لئوناردو و بلان در خودرو بودم. لئوناردو به من گفت بزرگترین آشفتنگی و شلوغی که می‌توانسته تصور کند را تدارک دیده‌ایم. این دقیقاً همان چیزی بود که می‌خواست. یک بعدازظهر جنون‌آمیز. بی‌نظمی و آشفتنگی در آن روز جادو کرد. ما دیگر بازیکنی را به این شکل معارفه نکردیم.»

آن روز، روز انتظارات سردرگم بود، روز چشمان گرد شده، روزی که میلیون‌های پارissi انتقال‌شان به عصر جدید خود را ثبت کردند. در آن روز بسیاری باور داشتند شاهد آغاز انقلاب در باشگاه فرانسوی هستند اما هواداران قدیمی این روز را بازگشت به دوران طلایی میانه دهه ۹۰ میلادی می‌دانستند. «فابریک دو شورنی» یکی از هوادار قدیمی و متعصب باشگاه می‌گوید: «ما پیش از آن هم در پاریس ستارگان بزرگی داشتیم. فکر می‌کنم خیلی‌ها این مسأله را فراموش کرده بودند. ما رای، ژینولا، وه‌آ و چندین ستاره بزرگ دیگر را با پیراهن پاری‌سن‌ژرمن در مستطیل سبز دیدیم اما بعد از آن، وقفه‌ای ایجاد شد و ما پسرقت داشتیم که البته در همان دوران هم رونالدینیو را جذب کردیم. سپس قطر آمد و با آمدن قطری‌ها ما بازیکنانی مانند ایبرا را خریدیم. این اتفاق به باشگاه کیفیت بخشید اما همه ما این مسأله را سال‌ها پیش تجربه کرده بودیم.»

به اندازه هواداران، در رختکن نیز بازیکنان هیجان‌زده بودند و به نوعی تغییر شرایط را حس می‌کردند. «محمد سیسوکو» هافبک پیشین پارissi می‌گوید: «بسیاری از بازیکنان خصوصاً فرانسوی‌ها پس از خبر جذب زلاتان هیجان‌زده شده بودند. شرایط جذاب و خاصی بود. من تمام مکالمات داخل رختکن را به یاد دارم. همه داستان ایبرا را می‌دانستند، شخصیت او را نیز می‌شناختند. سوالات تقریباً یکسان بود: اطرافش چگونه رفتار کنیم؟ آیا با ما رفتار خوبی خواهد داشت؟ سپس ایبرا پا به رختکن گذاشت؛ با تواضع خاص. او به همه اثبات کرد که چرا بزرگ است و کارش را نیز به خوبی انجام داد.»

شش روز پس از معارفه به عنوان بازیکن جدید تیم، ابراهیموویچ با پروازی راهی نیویورک شد تا به تور پیش‌فصل آنها ملحق شود. شاگردان «کارلو آنچلوتی» در زمین دانشگاه پرینستون در حال تمرین بودند که خرید نامدار و گران‌قیمت، خیلی زود خود را نشان داد. «ژیل بورژ» مربی دروازه‌بان‌های وقت باشگاه می‌گوید: «برای تمام عمرم نخستین جلسه تمرین او را به خاطر خواهم داشت. نیمه اول تمرین را با مربی بدنساز گذراند، در حالی که سایر تیم با توپ مشغول تمرین بود. سپس به تمرین گروهی اضافه شد. در اولین لمس توپ، جرمی منز را کنار زد، توپ را گرفت و با یک شوت دروازه را فرو ریخت. منز در برخورد با ایبرا همانند یک کودک به گوشه‌ای پرتاب شد. به این ترتیب همه حساب کار خود را فهمیدند.»

زلاتان آن روزها ۳۰ ساله به کمتر از سه دقیقه برای گلزنی در نخستین بازی‌اش با پیراهن PSG نیاز داشت و با یک ضربه محکم پای چپ، دروازه «دی‌سی یونایتد» را گشود. در نخستین بازی رسمی خود با پیراهن میلیون‌های پارissi نیز مؤثر نشان داد و با زدن دو گل به تیمش کمک کرد تا از شکست ۲ بر صفر خانگی برابر لوریان در هفته نخست لیگ یک فرانسه فرار کند. ایبرا تا پیش از کریسمس در نخستین فصل حضورش در فرانسه، در تمامی رقابت‌ها ۲۰ گل از خود به جای گذاشت و نشان داد سکوهای «پارک دوپرنس» متعلق به کدام پادشاه فوتبال است. «فابریک دو شورنی» شرایط آن روزها را اینگونه توصیف می‌کند: «زمانی که در پارک دوپرنس بودید، زلاتان را می‌دیدید. او با سایر بازیکنان تفاوت داشت و همانند یک مبارز شجاع بود. همه بازیکنان کنار او کوچک به نظر می‌رسیدند. از لحاظ تکنیکی یک هیولا به حساب می‌آمد. پس از گلزنی به سمت هواداران می‌دوید، پیراهنش را از تن درمی‌آورد و عضلاتش را منقبض می‌کرد. او همه چیز داشت و پارissi‌ها عاشقش بودند.»

مهاجم سوئدی نوامبر ۲۰۱۲ در جریان شکست خانگی برابر سن‌اتین با نتیجه ۲ بر یک، برای نخستین بار با پیراهن پارissi‌ها، کارت قرمز را مقابل چشمانش دید اما انتقام خود را گرفت؛ روزی که فرانسه را ترک گفت با زدن ۱۴ گل برابر این تیم، برچسب محبوب‌ترین قربانی را به دروازه سن‌اتین چسباند.

«جاناتان یوریسون» مدافع اسبق سن‌اتین درباره اسطوره مغرور فوتبال می‌گوید: «او هاله خاصی داشت! بزرگ و تنومند بود. باید به شدت حواس خود را به او معطوف می‌کردید زیرا می‌توانست هر کاری را در هر لحظه انجام دهد. کاملاً غیرقابل پیش‌بینی بود. در آخرین بازی‌ام برابر او، مأمور مهارش در کرنرها بودم. انگار توپ برای او بود و احساس می‌کرد در چه نقطه‌ای فرود می‌آید. تا آن لحظه هیچ‌گاه خود را ناتوان احساس نکرده بودم.»

پاری‌سن‌ژرمن با بهره‌مندی از زلاتان، متوجه ترس حریفان پیش از شروع



بازی شد و همین برای آنها یک مزیت بزرگ به حساب می‌آمد. سیسوکو در این خصوص می‌گوید: «به وضوح ترس را در چشمان رقیبان می‌شد دید. همه تیم‌هایی که برابرشان به میدان می‌رفتیم، تقریباً از ایبرا واهمه داشتند. دوستانم در سایر تیم‌ها یک یا دو هفته پیش از تقابل‌مان از من می‌خواستند تا به زلاتان بگویم پیراهنش را به آنها هدیه بدهد. زمانی که شما چنین درخواستی دارید، یعنی از لحاظ روانی بازی را به غولی همچون زلاتان باخته‌اید.»

خارج از مستطیل سبز نیز ایبرا به سرعت محبوب شد؛ در برنامه خیمه‌شب‌بازی محبوب شبکه «Canal+» به نام «لگینیول» عروسک او را ساختند تا برای میلیون‌ها بیننده تلویزیونی پیش‌بینی کند چگونه رقیبان پاری‌سن‌ژرمن را «قلع و قمع» خواهد کرد.

فوق‌ستاره سوئدی در همان نیم‌فصل نخست و با جدایی «نه‌نه» برزلی، پیراهن شماره ۱۸ خود را کنار گذاشت و شماره ۱۰ پوشید. در فوریه ۲۰۱۵، فرانسوی‌ها مجسمه‌اش را ساختند و در موزه «گروین» قرار دادند تا به نوعی اقدام موزه «مادام توسو» در لندن را به چالش بکشند. او کنار «دیوید بکام» که مدت کوتاهی در سال ۲۰۱۳ به پاری‌سن‌ژرمن پیوست، در قرارگیری باشگاه روی نقشه جهانی فوتبال و در لابه‌لای صفحات کتاب افتخارات تاریخ توپ چهل‌تکه، نقش مؤثری ایفا کرد.

۰۰۳)

او با گلزنی‌های مداوم و تأثیرگذارش باعث شد تا پاری‌سن‌ژرمن پس از سال ۱۹۹۴، برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ به جام قهرمانی لیگ فرانسه بوسه بزند. اتفاقی که در سه فصل بعدی نیز تکرار شد. جولای سال ۲۰۱۳ با شگاه PSG با ۶۴ میلیون یورو، گران‌قیمت‌ترین خرید تاریخ خود را رقم زد و «ادینسون کاوانی» را به پاریس آورد. حضور مهاجم نامدار اروگوئه‌ای اما تأثیری روی ریتم بازی ایبرا نگذاشت و «لوران بلان» - جانشین آنچلوتی - از او در سمت راست خط حمله استفاده کرد تا شکارچی سوئدی همچنان مهاجم نوک تیم باقی بماند. زلاتان در سه فصل از چهار فصل حضور خود در فوتبال فرانسه، عنوان آقای گلی لیگ یک فرانسه را از آن خود کرد و در فصل پایانی حضورش در ۵۱ بازی توانست ۵۰ گل به ثمر برساند! ایبرا در دو فصل آخر حضور خود در پاریس، به تمام جام‌های داخلی رسید و PSG و با کسب دوازده جام قهرمانی پس از چهار فصل ترک کرد. تنها ناتوانی



میرمان که در آغاز سال ۲۰۱۸ از جمع پارissi‌ها جدا شد نیز معتقد است برخی نظرات مهاجم سوئدی میان ارکان باشگاه هم تأثیر منفی داشته: «ما واکنش‌های او را درک نکردیم. او صحبت‌های مدح‌آمیز درباره میلان، بارسلونا، آژاکس و اینتر را تمام نمی‌کرد، آن هم در حالی که پاری‌سن‌ژرمن بادوام‌ترین دوران او بود. شهر پاریس از ایبرا یک بت ساخت. او به جای قدردانی، فکر می‌کرد که همه موفقیت‌ها به خاطر او بوده. زلاتان برای باشگاه‌هایی که نصف PSG نیز به او کمک نکردند، احترام بیشتری قائل است اما در مورد ما و شهرمان چنین واکنشی نداشت.»

او در فرانسه، عدم رساندن پاری‌سن‌ژرمن به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا بود که البته با مشاهده ناکامی‌های PSG پس از جدایی زلاتان، به نظر می‌رسد همان حضور در یک چهارم نهایی هم یک موفقیت بوده.

تأثیر ایبرا اما تنها به گل‌هایش محدود نمی‌شد؛ کارلتو که در سال ۲۰۱۱ سکان هدایت تیم فرانسوی را به دست گرفت از بی‌انگیزگی رختکن و بازیکنان تعجب کرده بود اما جذب زلاتان همه چیز را دستخوش تغییر کرد. با حضور او روحیه پیروزی‌خواهی و سلطنت‌طلبی به رختکن تزریق شد و همه بازیکنان به او به عنوان یک الگو نگاه می‌کردند. بورژ در این باره تصویر جالبی را در خصوص آن دوران توصیف می‌کند: «نمی‌خواهم درباره بازیکنان فرانسوی با دیگران صحبت کنم اما در فرانسه، فرهنگ کار و مسئولیت‌پذیری شخصی چندان حس نمی‌شد. بازیکنان وقتی پا به میدان تمرین می‌گذاشتند انگار در حال رفتن به کافه برای خواندن کتاب بودند اما پس از حضور زلاتان در پاریس، همگی یک ساعت زودتر می‌آمدند و تمرین می‌کردند. روحیه زلاتان متفاوت بود و میان بازیکنان هم تغییر ایجاد کرد. کسی در حضور او جرأت نداشت تنبلی کند. همه ترجیح می‌دادند از خستگی جان دهند تا از چشم زلاتان نیفتند.»

«آدرین رابیو» هافبک پیشین PSG هم زلاتان را یک هم‌تیمی سخت معرفی می‌کند که معیارهایش برای هم‌تیمی‌ها چاره‌ای جز پیشرفت باقی نمی‌گذارد: «او بازیکنی با توقع بسیار بالا بود. فرقی بین بازیکن جوان و باتجربه وجود نداشت. اگر باید چیزی به شما می‌گفت، آن را بدون هیچ ملاحظه‌ای بیان می‌کرد. برایش اهمیتی نداشت که شما جوان هستید. او درگیر بازیکنان جوان بود و واقعاً به برخی از آنها سخت می‌گرفت. برخی جدی نمی‌گرفتند یا برخی پاسخش را می‌دادند اما وقتی جوان هستید و زلاتان به شما گیر می‌دهد، باید بدانید که شانس به شما روی کرده است. توجه زلاتان بدون هیچ شک و تردیدی به صلاح شما خواهد بود.» زلاتان در شب پیروزی ۴ بر صفر تیمش برابر نانت در ماه مه ۲۰۱۶، یک دبل از خود به ثبت رساند و همان شب با هواداران در «پارک دوپرنس» وداع کرد. او با پسرانش - ماکسیمیلیان و وینسنت - در حالی که اشک چشمانش را پر کرده بود، آخرین قدم‌هایش را روی چمن سبز خانگی برداشت. او بعدها PSG را تنها باشگاهی معرفی کرد که هنگام ترک آن، به شدت ا حساساتی شده.

زلاتان اما در ادامه، صحبت‌های تلخی هم درباره فرانسه و پاری‌سن‌ژرمن بر زبان آورد؛ مدت کوتاهی پیش از جدایی‌اش گفته بود که پاری‌سن‌ژرمن روزی که قطری‌ها پا به پاریس گذاشتند متولد شده. یا چند هفته پس از جدایی‌اش در مصاحبه با نشریه «اکیپ» در جمله‌ای خبرساز گفت: «لیگ فرانسه در سطح من نبود.» او حتی در کتاب خود در سال ۲۰۱۸ با نام «من فوتبال هستم» با بیان این نکته که علی‌رغم میل باطنی‌اش، برای پیوستن به PSG مجبور شده، خشم هواداران این تیم را برانگیخت. «فابریک دو شورنی» در این باره می‌گوید: «شادی‌های گذشته به ناگاه برای ما تلخ شد. قسمتی از هواداران برخی از صحبت‌های او را هرگز نمی‌بخشند.»

میرمان که در آغاز سال ۲۰۱۸ از جمع پارissi‌ها جدا شد نیز معتقد است برخی نظرات مهاجم سوئدی میان ارکان باشگاه هم تأثیر منفی داشته: «ما واکنش‌های او را درک نکردیم. او صحبت‌های مدح‌آمیز درباره میلان، بارسلونا، آژاکس و اینتر را تمام نمی‌کرد، آن هم در حالی که پاری‌سن‌ژرمن بادوام‌ترین دوران او بود. شهر پاریس از ایبرا یک بت ساخت. او به جای قدردانی، فکر می‌کرد که همه موفقیت‌ها به خاطر او بوده. زلاتان برای باشگاه‌هایی که نصف PSG نیز به او کمک نکردند، احترام بیشتری قائل است اما در مورد ما و شهرمان چنین واکنشی نداشت.»

حالا چندین سال از معارفه زلاتان زیر برج ایفل می‌گذرد و تمام مراسمات معارفه در PSG طبق برنامه پیش می‌رود. برای مثال در روز معارفه «نیمار جونیور» باشگاه خیلی سریع مسئولان شهری را در جریان گذاشت تا برج ایفل به رنگ قرمز و آبی در بیاید. یا روز انتقال «کلیان امباپه» از موناکو به پاری‌سن‌ژرمن، مراکز شهر با تصاویر مهاجم جوان فرانسوی تزئین شد. روز انتقال «جیانلوئیجی بوفون» از تورین به پاریس نیز خودروی او در خیابان تحت تعقیب موتورهای ایتالیایی کلاسیک قرار گرفت و مردم در نظم خاصی به استقبال دروازه‌بان افسانه‌ای رفتند.

این مراسم هرگز با هرج و مرج مراسم معارفه ایبرا در تابستان داغ جولای برابری نمی‌کند اما همان امضا، همان روز، همان کنفرانس و همان معارفه، همه چیز را در پاریس برای همیشه تغییر داد.